

تأثیر تکرار زنا در مجازات آن در حقوق جزای امامیه

سید سلمان مرتضوی*، رضا نیکخواه^۲

۱. دانشجوی دکتری رشته فقه و حقوق اسلامی دانشگاه ارومیه

۲. استاد گروه فقه و حقوق اسلامی دانشگاه ارومیه

(تاریخ دریافت: ۹۳/۵/۱۴؛ تاریخ پذیرش: ۹۳/۸/۲۱)

چکیده

در حقوق جزای عمومی عللی بررسی می‌شوند که موجب تشدید مجازات مرتکب خواهند شد. از این علل با عنوان علل مشدده مجازات یاد می‌شود. از جمله این علل می‌توان به زمان و مکان، به‌کار بردن اسلحه، سمت و مأموریت دولتی، مستی، کفر و احسان و ... اشاره کرد. در فقه جزای امامیه نیز علل و شرایطی وجود دارد که هرگاه با جرم قرین شد، موجب تشدید مجازات مرتکب می‌شود. از جمله این عللها در فقه امامیه می‌توان به زمان و مکان وقوع جرم و تکرار اشاره کرد. موضوع این مقاله تأثیر تکرار جرم زنا در تشدید مجازات مرتکب آن است. در فقه امامیه «تکرار جرم» اعم از «تعدد جرم» است و فقها تعدد جرم را نیز ضمن «تکرار جرم» بحث می‌کنند. بنابراین در این مختصر علاوه بر تأثیر «تکرار جرم»، درباره تأثیر «تعدد جرم» نیز از منظر فقه امامیه در تشدید مجازات بزه زنا بحث می‌شود. اما «تکرار جرم» در مورد جرم زنا در فقه امامیه سه صورت دارد، که صورت اول و دوم آن منطبق بر تعدد جرم در حقوق جزاست، ما در این تحقیق ضمن بررسی دیدگاه فقها و ادله آنها پیرامون تشدید یا عدم تشدید مجازات بزه زنا به‌واسطه «تکرار جرم»، به ارائه نظریه مختار می‌پردازیم.

واژگان کلیدی

تشدید مجازات زنا، تکرار جرم زنا، حقوق جزای امامیه، علل مشدده مجازات.

مقدمه

در حقوق جزای عمومی عللی مطرح است که با عنوان علل مشدده از آنها یاد می‌شود. علل مشدده علل و شرایطی هستند که هرگاه با برخی جرایم قرین شدند، مجازات آن جرم‌ها از حد معمول افزایش می‌یابند. همانند اینکه جرم زنا در مکان مقدسی روی دهد؛ واقع شدن زنا در مکان مقدس علتی است که مجازات معمول زنا را افزایش می‌دهد.

چنین علل و شرایطی چون قبح و زشتی عمل ارتكابی را افزایش می‌دهند یا اینکه ارتكاب جرم در چنین شرایطی حالت خطرناک بزه‌کار و در نتیجه ضرر و زیان مجرم را برای جامعه افزایش می‌دهد، جامعه در برابر این حالت نسبت به عمل مجرم انزجار و نفرت بیشتری از خود نشان خواهد داد.

به‌علاوه اینکه ممکن است مجرم با چند بار مجازات، به عواقب عملش و ضرر و زیان آن برای خود و جامعه متنبه و آگاه نشده باشد. در این صورت جامعه برای متنبه کردن فرد مجرم و دفع ضرر و کنترل حالت خطرناک او، به تشدید مجازاتش دست می‌زند و مجازات او را از حد معمول افزایش می‌دهد. این علل و شرایط در حقوق جزای عمومی عبارتند از تعدد جرم، تکرار جرم، تعدد جرم با سبق تصمیم، عنف و آزار و جرح، زمان و مکان، به‌کار بردن اسلحه، سمت و مأموریت دولتی، مستی، کفر و احسان.

در فقه جزای امامیه نیز فقها ضمن تبیین انواع جرم و مجازات آنها، مجازات جرایم را در برخی شرایط، نسبت به حد معمول افزایش می‌دهند و خاطی را به اشد مجازات محکوم می‌کنند. هرچند که فقهای امامیه این علل و شرایط را با اصطلاح علل مشدده مجازات نام نبردند، ولی دقیقاً همان کارکرد علل مشدده را دارند. مثلاً فقهای امامیه روی دادن جرم زنا در مکان یا زمانی مقدس را، موجب افزایش مجازات مرتکب می‌دانند.

از جمله عللی که فقها آن را از علل تشدید مجازات مجرم می‌دانند «تکرار جرم» است. «تکرار جرم» در فقه امامیه سه صورت دارد؛ صورت اول آن است که فردی مرتکب جرمی شده که قبلاً آن را انجام داده است، ولی چون جرم دوم، نوع دیگری از جرم اول است، مجازاتی غیر از مجازات جرم اول را می‌طلبد. در صورت دوم، مجرم نوع خاصی از جرم را بیش از یک بار مرتکب شده است و بین این اعمال مجرمانه، مجازات هیچ‌کدام از آنها اعمال نشده است. صورت آخر، آنکه فردی جرمی را چند بار مرتکب شده است و به علت ارتکاب این جرم مجازات‌های دفعه‌های قبل بر او جاری شده است، ولی بار دیگر همان عمل را تکرار می‌کند.

تکرار در فقه امامیه در ذیل بحث از زنا آمده است (نجفی، ۱۴۱۳، ج ۴۱: ۳۳۵)، ولی مختص زنا نیست و ادله آن عام هستند و همه جرایم را شامل می‌شود. اما در این مختصر برآنیم که صورت‌های سه‌گانه «تکرار جرم» را در مورد بزه زنا در فقه امامیه بررسی کنیم و ضمن بیان دیدگاه‌های فقهای امامیه و جرح و تعدیل ادله آنها، تأثیر تکرار را در تشدید میزان مجازات‌های بزه زنا در فقه امامیه تبیین کنیم.

۱. چارچوب مفهومی

برای بررسی دیدگاه‌ها و ادله فقهای امامیه در مورد تشدید مجازات حدی زنا به واسطه تکرار آن، ابتدا به تبیین اصطلاحاتی می‌پردازیم که برای بررسی مسئله ناگزیر از به‌کارگیری آنها هستیم. این اصطلاحات علل مشدده مجازات، تعدد جرم و تکرار جرم هستند که به اختصار تعریف آنها در حقوق جزای عمومی مطرح می‌شود.

۱.۱. علل مشدده مجازات

سبب‌های تشدید مجازات در حقوق جزا، کیفیات و اوصافی است که قانونگذار تعیین کرده و دادرس به محض احراز آنها، به حداکثر یا بیش از حداکثر مجازات مقرر در قانون برای همان جرم حکم خواهد داد (اردبیلی، ۱۳۸۹، ج ۲: ۲۱۷).

در حالت احراز چنین کیفیاتی، عمل مجرمانه‌ای که صورت می‌گیرد توأم با خطرات بیشتری برای جامعه است و بالمآل تنفر و انزجار بیشتری را برای افراد جامعه به وجود می‌آورد. در این حالت، مقنن مجازات‌های سنگین‌تری را برای این قبیل افراد منظور می‌کند. علاوه بر این شاید فردی با وجود آنکه مجازات جرم ارتكابی اولیه را تحمل کرده است، متنبه نشده باشد و مجدداً به تکرار همان جرم اقدام کند یا اینکه به دفعات مرتکب جرمی شود (شامبیاتی، ۱۳۷۱، ج ۲: ۴۰۲).

کیفیات مذکور از چند حیث طبقه‌بندی می‌شوند؛ در یک طبقه‌بندی کیفیات مشدد عام (از جمله تعدد و تکرار جرم) در مقابل کیفیات مشدد خاص قرار می‌گیرند. کیفیات مشدد خاص یا کیفیات مشدد عینی (از جمله تعدد جرم با سبق تصمیم، عنف و آزار و جرح، زمان و مکان و به کار بردن اسلحه) هستند یا کیفیات مشدد شخصی (از جمله سمت و مأموریت دولتی، مستی، کفر و احسان) (اردبیلی، ۱۳۸۹، ج ۲: ۲۱۸).

کیفیات مشدده عینی شامل همه کسانی می‌شود که به نحوی از انحا در ارتكاب جرم دخالت دارند (مجرم، شریک جرم و معاون جرم). در صورتی که کیفیات مشدده شخصی فقط مجازات کسی را تشدید می‌کند که چنین مشخصاتی در او جمع است (افراسیابی، ۱۳۷۷، ج ۲: ۳۰۵). از اشاره مختصر بالا معلوم شد که تکرار و تعدد جرم از کیفیات مشدده عام عینی هستند.

۲.۱. تعدد جرم

هرگاه شخص واحدی مرتکب جرایم مختلف یا مکرر شده باشد؛ اما جرایم مزبور کشف نشده باشد یا به هر نحو گناهکار نسبت به هیچ یک از آنها محکومیت قطعی نیافته باشد، تعدد جرم مصداق پیدا می‌کند (ولیدی، ۱۳۸۸، ج ۱: ۴۱۹).

حقوقدانان تعدد را بر سه قسم می‌دانند که عبارتند از تعدد مادی، معنوی یا روانی و تعدد نتیجه که به اختصار آنها را تعریف می‌کنیم.

تعدد مادی یا عینی یا حقیقی، عبارت از آن است که مجرم مرتکب دو یا چند عمل مجزا و جداگانه می‌شود که هر یک به‌تنهایی عناصر جرم را در خود جمع می‌کند، خواه جرم به‌طور کامل واقع شود یا خیر. مثلاً فردی یک فقره سرقت و یک فقره شروع به جرم کلاهبرداری مرتکب می‌شود. تعدد معنوی یا روانی یا اعتباری، عبارت از آن است که بزه‌کار یک عمل مجرمانه انجام می‌دهد که شاید بر عمل واحد او، دو یا چند عنوان مجرمانه صدق کند. مقصود از تعدد نتیجه آن است که بزه‌کار یک عمل مجرمانه مرتکب می‌شود، اما از فعل یا ترک فعل او چند نتیجه مجرمانه مجزا حاصل می‌شود (نوربها، ۱۳۷۵: ۴۳۳).

۳.۱. تکرار جرم

تکرار جرم زمانی محقق می‌شود که فردی پس از محکومیت اول یا اجرای آن حسب قانونگذاری‌های مختلف، مجدداً حالت خطرناک خود را نشان می‌دهد و به جرم تازه‌ای دست می‌زند که ممکن است مشابه یا مانند جرم قبلی یا غیر آن باشد، که در حالت تشابه، تکرار را خاص و در غیر آن عام می‌گویند (نوربها، ۱۳۷۵: ۴۲۳).

تفاوت بین تکرار جرم با تعدد جرم در این است که در تکرار جرم یا حکم مجازات صادر و قطعی شده است و فرد مرتکب جرم دیگر می‌شود یا اینکه حکم اجرا شده و پس از اجرای آن، جرم جدید ارتکاب یافته است؛ در حالی که در تعدد جرم گرچه جرایم گوناگون واقع شده، هیچ‌یک به صدور حکم یا اجرای مجازات منتهی نشده و بر مجرم با اجرای جرایم گوناگون حکم تعدد جاری است.

۲. تکرار جرم در فقه جزای امامیه

در حقوق جزای امامیه علل و شرایطی مطرح شده است که هرگاه با برخی جرایم قرین شدند، مجازات آن جرم‌ها را از حد معمول آنها افزایش می‌دهند. مثلاً اگر زنا در مکانی واقع شد که در شرع قداست ویژه‌ای دارد، علاوه بر حد معمول آن، قاضی باید مجازات دیگری را بر مرتکب اعمال کند.

یکی از علل مشدده مجازات در حقوق جزای امامیه تکرار جرم است. فقها تکرار جرم را به عنوان علت مشدده مجازات بررسی کرده‌اند. آنها ضمن بحث تکرار جرم، تعدد جرم را نیز به عنوان صورتی از صور تکرار جرم مطرح کرده‌اند و اثر این دو را بر مجازات جرایم، به اختصار مورد تأمل قرار دادند. یکی از جرایم مورد اهتمام شارع حکیم، بزه زناست، که تکرار آن شاید موجب تشدید مجازات آن شود. حال این تشدید شاید به صورت شدیدتر شدن همان مجازات مقرر برای آن باشد، مثلاً عدد تازیانه اولیه آن به عددی بیشتر تشدید شود یا به نحو تبدیل مجازات اولیه به مجازات شدیدتر باشد، مانند مجازات تازیانه به عقوبت قتل تبدیل شود. تکرار جرم صورت‌هایی دارد که ضمن بیان آنها به تبیین تأثیر هر کدام در تشدید مجازات مرتکب جرم زنا پرداخته می‌شود.

۱.۲. صورت اول

آن است که فردی مرتکب جرمی حدی شده که در گذشته آن را انجام داده است، ولی مقتضای تکرار عمل، مجازاتی غیر از مجازات جرم اول باشد، به عبارت دیگر جرم دوم نوع دیگری از جرم اول است، مثلاً فردی مرتکب زنا با دختری باکره شده و سپس مرتکب زنا می‌شود محصنه شده است.

نظر فقهای امامیه در این زمینه چنین است که باید مجازات‌های مختلف جرم زنا تکرار شود و متناسب با هر جرمی مجازات آن اعمال شود. زیرا موضوع هر کدام از مجازات‌ها محقق شده است و نمی‌توان گفت با هم تداخل می‌کنند و یکی از آنها را باید جاری کرد، زیرا احکام هر عمل ارتكابی و مجازات آنها متفاوت است.

سید علی طباطبایی درباره این نوع تکرار در جرم زنا می‌نویسد؛ در صورتی که زناهای تکراری مستوجب حد‌های متعدد باشد، مثلاً یکی مستوجب تازیانه باشد و دیگری مستوجب سنگسار، در این صورت مجازات‌های متعدد اعمال می‌شود و یک حد کافی نیست (طباطبایی، ۱۴۱۸، ج ۱۵: ۴۹۱).

شیخ نجفی نیز عدم تعدد مجازات حدی به واسطه تعدد جرم حدی را در حالتی می‌داند که زنا تکراری نوع واحدی از حد را می‌طلبد، ولی در صورتی که زناهای متعدد حدهای متعددی را اقتضا کند، مثلاً مرتکب زنا با باکره‌ای شود، سپس مرتکب زنا محصنه شود، دو حد بر وی جاری می‌شود (نجفی، ۱۴۱۳، ج ۴۱: ۳۳۵).

فاضل لنکرانی در تأیید این نظر چنین می‌نویسد که حتی اگر مقتضای عمل اول حد تازیانه باشد و حد عمل دوم تازیانه و رجم باشد، در عمل دوم باز هم تازیانه تکرار می‌شود، زیرا تازیانه منضم به رجم در حد دوم به‌عنوان جزئی از حد بر عمل مترتب می‌شود، ولی تازیانه‌ای که بر عمل اول مترتب شده، تمام حد آن عمل است. بنابراین با هم مغایرند و تکرار می‌شوند (فاضل لنکرانی، ۱۴۲۲: ۱۸۵).

بنابراین در صورت اول، نظر فقهای امامیه این است که مجازات‌های حدی هر کدام از جرم‌های ارتكابی، گرچه همه آنها نوعی از یک جنس واحد هستند، اعمال می‌شود و وحدت جنس مانع از جاری کردن مجازات نمی‌شود.

اما مسئله مورد بحث اعمال یا عدم اعمال مجازات‌های زناهای مکرر نیست. بلکه مورد سؤال این است که آیا تکرار به این حالت موجب تشدید مجازات جرم زنا در ارتكاب‌های بعدی می‌شود یا خیر؟ با توجه به گفته‌های فقها، تکرار به این نحو موجب تشدید مجازات این بزه نمی‌شود و تنها مجازات‌ها تکرار می‌شود. به‌همین دلیل هم اکثر فقهایی که به مسئله تکرار پرداختند، این صورت را مطرح نکردند.

شاید علت عدم تشدید مجازات در چنین تکراری این باشد که جرم‌های ارتكابی از نوع واحدی نیستند و تنها جنس واحدی دارند. زیرا تکرار جرمی که علت مشدده مجازات محسوب می‌شود، ارتكاب متعدد جرمی به‌صورتی است که در همه ارتكاب‌ها بر بزه‌های انجام‌شده، عنوان یک نوع خاص از جرایم اطلاق شود. مثلاً به همه جرایم انجام‌شده عنوان زنا محصنه اطلاق شود. ولی در صورت مورد بحث، مرتکب جرم‌های مختلفی را انجام داده است که گرچه همه آنها دارای جنس واحدی (مثل زنا) هستند، نوع خاصی (همچون

زنای محصنه) بر آنها اطلاق نمی‌شود. به همین دلیل مجازات‌های آنها متعدد و متفاوت است. مثلاً یکی عنوان زنا با باکره محسوب می‌شود و مجازات تازیانه دارد و دیگری عنوان زنای محصنه و مجازات اعدام دارد.

مطابق با تعریف و اقسام ذکرشده برای تعدد جرم، این صورت از تکرار جرم نزد حقوقدانان تعدد عینی یا حقیقی یا مادی است که بنا بر توضیح بالا، معلوم شد که چنین تعددی در حقوق جزای امامیه موجب تشدید مجازات بزه زنا نمی‌شود.

۲.۲. صورت دوم

آن است که مجرم، نوع خاصی از جرم را بیش از یک بار مرتکب شده است و همه اعمال مکرر، مجازات واحدی دارند و بین این اعمال مجرمانه، مجازات هیچ‌کدام از آنها اعمال نشده و تکرار اعمال مجازات نیز ممکن است؛ مانند آنکه حد اعمال ارتكابی تازیانه باشد. اما در مواردی که اعمال مجرمانه، واحد و مجازات آنها نیز یکسان باشد و مجازات هیچ‌کدام نیز اعمال نشده باشد، ولی تکرار اعمال مجازات ممکن نباشد (مثل اینکه جرم ارتكابی زنای محصنه باشد) از محل بحث خارج است. زیرا چنین مرتکبی با یک بار جاری شدن مجازات، اعدام می‌شود و دیگر امکان تکرار مجازات‌های بعدی وجود ندارد تا چه رسد به تشدید مجازات وی.

همان‌طور که اشاره شد، این صورت نزد حقوقدانان به تعدد حقیقی مشهور است که در این بخش به تأثیر آن در مجازات جرم زنا می‌پردازیم.

دیدگاه مشهور بین فقهای امامیه، ثبوت و جاری شدن یک حد است و علامه حلی در *مختلف الشیعه فی احکام الشریعه* (علامه حلی، ۱۴۱۳، ج ۹: ۱۷۶) نیز به این شهرت استناد کرده است و نزد شیخ نجفی به حد اجماع رسیده است (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۴۱: ۳۳۴). ایشان در *جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام* درباره این شهرت می‌نویسد؛ استناد فاضل به این شهرت قرینه است بر اینکه این شهرت به حد اجماع رسیده است، زیرا اگر شهرتی به

چنین حدی نرسد، نزد فاضل حجیت ندارد و استنادش دنی نیست (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۴۱: ۳۳۴). طباطبایی نیز همین برداشت را از استناد فاضل به این شهرت داشته است (طباطبایی، ۱۴۱۸، ج ۱۵: ۴۹۰).

در این صورت شهید ثانی نیز معتقد است که تنها یک بار حد اقامه می‌شود و مرتکب کشته نمی‌شود (شهید ثانی، ۱۴۱۲، ج ۲: ۳۶۳). ایشان در مسالک الأفهام الی تنقیح شرایع الاسلام بیان کرده که این مطلب اجماعی است (شهید ثانی، ۱۴۱۳، ج ۱۴: ۳۷۱). ابن حمزه طوسی در الوسیلة إلى نیل الفضیلة (ابن حمزه، ۱۴۰۸: ۴۱۱)، محقق حلی در دو کتاب المختصر النافع فی فقه الإمامیة (محقق حلی، ۱۴۱۸، ج ۱: ۲۱۵) و شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام (محقق حلی، ۱۴۰۸، ج ۴: ۱۴۲)، ابن براج (ابن براج، ۱۴۰۶، ج ۲: ۵۲۰)، شیخ مفید (شیخ مفید، ۱۴۱۳: ۷۷۶) و شیخ طوسی در النهایة فی مجرد الفقه و الفتاوی (طوسی، ۱۴۰۰: ۶۹۴) در این صورت، اقامه یک حد را کافی دانسته‌اند.

نزد دیدگاه مشهور در این حکم در مورد عمل ارتكابی زنا، فرقی نیست بین اینکه زناها با زنی واحد واقع شده باشند یا با زن های متعدد و در هر دو صورت یک حد جاری می‌شود. اما اسکافی (علامه حلی، ۱۴۱۳، ج ۹: ۱۷۶) و صدوق (ابن بابویه قمی، ۱۴۱۵: ۴۳۸) در این دو صورت تفصیل قائل شده‌اند و در صورت دوم، به تکرار حد حکم دادند. دلیل ایشان روایت ابی بصیر از امام صادق علیه السلام است؛

روایت ابی بصیر از ابی جعفر (علیه السلام) قال: سألته عن الرجل یزنی فی الیوم الواحد مراراً کثیرة؟ قال: فقال: إن زنی بامرأة واحدة کذا و کذا مرة فإئتما علیه حد واحد، فإن هو زنی بنسوة شتی فی یوم واحد و فی ساعة واحدة فإن علیه فی کل امرأة فاجر بها حدًا (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۸: ۱۲۲).

یعنی؛ از امام درباره مردی سؤال شد که در یک روز دفعات زیادی زنا می‌کند؟ امام پاسخ دادند؛ اگر با یک زن چنین بکند، پس بر او تنها یک حد است و اگر با زنان متعددی

در یک ساعت، در یک روز، مرتکب زنا شود، پس به تعداد زنانی که با آنها زنا کرد، حد برآوست.

شهید ثانی در مسالک‌الافهام الی تنقیح شرایع الاسلام بر این روایت دو اشکال وارد کرده است. اول اینکه سند این روایت ضعیف است و نیز اینکه این روایت همه اقسام مسئله را شامل نیست و تنها یک صورت در آن آمده است (شهید ثانی، ۱۴۱۳، ج ۱۴: ۳۷۵). علامه حلی نیز در مختلف‌الشیعه فی احکام‌الشریعه (علامه حلی، ۱۴۱۳، ج ۹: ۱۷۶) سند روایت را، چون یکی از راویان آن علی بن ابی حمزه است، صحیح نمی‌داند. محقق حلی نیز در شرائع‌الاسلام فی مسائل‌الحلال و الحرام (محقق حلی، ۱۴۰۸، ج ۴: ۱۴۲) آن را مطروحه دانسته است.

با فرض صحت سند حدیث شاید اشکال شهید ثانی به دلالت حدیث وارد شود، به این صورت که حکم در روایت مقید شده به تکراری که در روز واحد در یک ساعت واحد رخ داده است، بنابراین تمام تکرارها را شامل نمی‌شود.

ولی این اشکال نادرست است، چون تعرض به این صورت علتش این است که صورت مذکور خفیف‌ترین صورت تکرار جرم زنا محسوب می‌شود. به همین دلیل در صورت دیگر به طریق اولی حکم جاری شدن حد واحد برقرار است.

اما اشکال عمده روایت این است که، فقها به این روایت عمل نکردند و آن را طرح کردند، درحالی که آن را دیده و به آن آگاهی داشتند. این عدم عمل فقها به آن نشان می‌دهد که نظر امام به فقها رسیده بود و اطلاع داشتند که روایت مطابق نظر امام در مسئله نیست. بنابراین نظر درست، دیدگاه مشهور است (فاضل لنکرانی، ۱۴۲۲: ۱۸۷).

شهید ثانی در مسالک‌الافهام الی تنقیح شرایع الاسلام زنا را متکرر را، در صورتی که حد بین آنها اقامه نشده باشد، موجب یک حد می‌داند. به دلیل جاری شدن اصل برائت، به این صورت که شک می‌کنیم آیا بر ذمه خاطی حد دیگری هست یا خیر یا اینکه آیا اعمال حد دیگری واجب است یا نه، اصل، برائت ذمه از وجوب حد بعدی خواهد بود و نیز به دلیل

اینکه بعد از یک بار اعمال حد، امر شارع به اجرای حدود، امثال یافته است. پس به تکرار حد نیازی نیست. دلیل سوم ابتدای حدود بر تخفیف است، به این صورت که بنا شدن حدود بر تخفیف ایجاب می‌کند که اعمال یک حد کافی باشد. و بالاخره اینکه ما اگر در وجوب اعمال بیش از یک بار حد، شک کردیم، در وجوب جاری شدن حد دوم شبهه پیش می‌آید و چنین شک و شبه‌ای با قاعده درأ از بین می‌رود (شهید ثانی، ۱۴۱۳، ج ۱۴: ۳۷۴).

طباطبایی در ریاض المسائل به دو استدلال اول شهید ثانی چنین پاسخ داده است که تعدد اسباب اقتضا می‌کند که مسببات نیز متعدد شوند. زنا سبب اعمال مجازات است. پس وقتی زنا بیش از یک بار اتفاق افتد، مجازات نیز باید متعدد باشد. اگر بگوییم اسباب تداخل می‌کنند پس یک مسبب کافی است، خلاف اصل خواهد بود. زیرا اصل، عدم تداخل اسباب است (طباطبایی، ۱۴۱۸، ج ۱۵: ۴۹۱).

اما ایشان سپس می‌افزاید: ولی مقتضای قائل شدن به تعدد مسببات، لزوم تعدد مسببات در همه صور و اقسام است. ولو اینکه مزنی‌بها یک فرد باشد. ولی هیچ یک از فقهای امامیه، حتی ابن جنید و شیخ صدوق که در این مسئله با نظر مشهور مخالفند، قائل به تعدد مجازات در این فرض نیستند. در این صورت نمی‌توان به این قاعده تمسک کرد. زیرا مخالف اجماع فقها بر عدم تعدد مسببات در همه صور است. پس یا باید تفصیل ابن جنید و شیخ صدوق را بپذیریم و این غیرممکن است، زیرا تفصیل مذکور دلیلی جز روایتی ضعیف و شاذ و طرح شده از سوی فقها ندارد و چنین دلیلی پذیرفتنی نیست یا اینکه از تعدد حد منع شود که این را می‌پذیریم (طباطبایی، ۱۴۱۸، ج ۱۵: ۴۹۱).

شیخ نجفی در جواهرالکلام فی شرح شرایع الاسلام عنوان می‌کند که از بنا بودن مجازات حدود بر تخفیف و درأ آنها به واسطه شبهه معلوم می‌شود که سبب در اجرای حد زنا، تحقق طبیعت زنا در خارج است، چه یک بار ارتکاب شود و چه چندین بار، همانند اسباب حدث، بلکه دقت در تعلیق حکم حد در آیه بر زانی و زانیه، اقتضا

دارد که سبب مجازات تحقق زناست و تعدد آن در حکم دخلی ندارد (نجفی، ۱۴۱۳، ج ۴۱: ۳۳۴).

و نیز اینکه تعدد در مصداق‌های زنا همانند تعدد در اسباب حدث و نجاست است. همان‌طور که در حدث‌ها و نجاست‌های متعدد، یک بار طهارت و تطهیر کافی است. زیرا عنوان، طهارت محدث و تطهیر نجس است و این عنوان بر طهارت یک حدث و تطهیر یک سبب نجاست یا بیش از یک حدث و سبب‌های نجاست صادق است. زنا نیز چنین است و عنوان مجازات زانی و زانیه بعد از اعمال آن، صدق می‌کند، چه زنا یک بار محقق شده باشد و چه چند بار. در این صورت یک سبب داریم، تعدد سبب نداریم تا قاعده تعدد مسیبات را جاری کنیم. پس در این حالت، دیدگاه پسندیده این است که بعد از صدق امتثال امر خدا در آیه با جاری شدن حدی واحد برای زناهای متعدد، برائت جاری شود (نجفی، ۱۴۱۳، ج ۴۱: ۳۳۴).

بر مبنای آنچه گذشت، دیدگاه مشهور این است که در این صورت (که به عبارت حقوق جزا تعدد مادی یا عینی یا حقیقی است) نه تنها تعدد موجب تشدید مجازات زنا نمی‌شود، بلکه موجب تعدد مجازات این بزه نیز نخواهد شد و بر همه زناهای ارتكابی تنها یک مجازات اعمال می‌شود.

اما به نظر می‌رسد استدلال‌های مطرح‌شده توسط دیدگاه مشهور، به تأمل بیشتری نیاز دارند. استدلال اول جاری شدن اصل برائت در مسئله بود. اجرای اصل برائت در مسئله شاید با اشکال روبه‌رو شود، زیرا در اینجا ما در ارتكاب جرایم شک نداریم، بلکه فرض این است که با ادله معتبر قضایی، تکرار جرم خاص زنا ثابت شده و ارتكاب چند دفعه جرم توسط مرتکب برای ما روشن و یقینی است. بنابراین شکی در وجوب چند بار اعمال مجازات یا شکی در ذمه مرتکب نداریم. ما یقین داریم که مرتکب، جرم را چند بار مرتکب شده است و هر بار ارتكاب جرم نیز مجازات مخصوص به خود دارد و همان‌طور

که ارتکاب‌های بعد، حرمت ارتکاب‌های قبل را از بین نمی‌برد، مجازات ارتکاب‌های قبل را نیز ممنوع نمی‌کند.

اما شاید به اشکال بیان شده چنین جواب داده شود که شبهات دو قسمند؛ یکی شبهه موضوعیه و دیگری شبهه حکمیه. درست است که در مورد بحث، ما شک و شبهه نداریم، ولی شک و شبهه منتفی، شبهه موضوعیه است. به این معنا که ما در تحقق چند زنا در خارج هیچ شکی نداریم، بلکه یقین داریم. ولی شک و شبهه ما در حکم این موضوع است. موضوع، ارتکاب چند زنا در خارج بوده، حکم این موضوع چیست؟ آیا با یک بار مجازات خاطی ذمه از اجرای مجازات بری می‌شود یا نه، اینکه به تعداد دفعات ارتکاب جرم، مجازات نیز تکرار می‌شود؟ اینجاست که دلیلی نداریم پس باید به اصل عملی تمسک کنیم، اصل عملی نیز برائت است.

استدلال دوم این بود که با یک بار اعمال مجازات، امر شارع به اجرای حدود امثال شده است، پس دیگر به تکرار مجازات نیازی نیست. بر استدلال مذکور این اشکال وارد است که عموم امر به اجرای حدود استغراقی است. یعنی برای هر بار تحقق جرم حدی، یک امر به اجرای حد وجود دارد. در اینجا نیز فرض این است که چند جرم حدی رخ داده است یا به عبارت بهتر یک جرم حدی چند بار اتفاق افتاده است و برای هر بار ارتکاب، یک امر به اجرای حد وجود دارد و با اعمال یک حد، یکی از این اوامر امثال شده است و برای امثال همه آنها باید به تعداد ارتکاب‌ها مجازات جاری شود.

این خدشه شاید بر استدلال دوم نیز بدون اشکال نباشد، زیرا اینکه گفته شده که عموم امر به اجرای حدود استغراقی است، به دلیل نیاز دارد. بلکه اصل بر این است که عمومات به طبیعت مأموریه تعلق گرفته‌اند و برای محقق شدن طبیعت مأموریه نیز، یک بار تحقق در خارج کافی است. پس در مورد بحث نیز، امر به اجرای حدود، به طبیعت اجرای حدود تعلق گرفته و برای امثال آن تنها یک بار جاری شدن مجازات کافی است و به تکرار آن نیازی نیست.

استدلال سوم این بود که بنای حدود بر تخفیف است. از این مطلب چنین نتیجه‌ای حاصل می‌شود که در موقع شک و شبهه و عدم علم به تحقق جرم حدی مجازات حدی جاری نشود، نه اینکه در مواردی که ما به ارتکاب چند جرم حدی زنا علم و یقین داریم، ولو اینکه جرایم از یک نوع باشند، مجازات‌های حدی جمع شود. و مورد بحث نیز از موارد شک و شبهه نیست، بلکه علم به ارتکاب چند بار جرم زنا داریم، پس باید چند مجازات اعمال شود.

ولی شاید گفته شود درست است که در ارتکاب چند جرم حدی زنا شک و شبهه نداریم، ولی در جمع مجازات‌ها و یک بار اجرای آن یا تکرار مجازات‌ها به عدد دفعات ارتکاب جرم شک و شبهه داریم و در مورد شبهه به متیقن (که یک بار جاری شدن مجازات است) عمل می‌کنیم و موارد دیگر را از مرتکب برمی‌داریم.

استدلال آخر تمسک به قاعده در آن است. باید ذکر کنیم که در فرض مورد بحث ما اصلاً شک و شبهه‌ای در ارتکاب و تحقق چند جرم زنا نداریم. بنابراین موضوع قاعده مذکور در مورد بحث منتفی است. به تحقق چند بار جرم زنا علم داریم و می‌دانیم که هر ارتكابی، مجازات مقرر دارد. این علم ایجاب می‌کند که ما مجازات هر بار را مستقلاً اعمال کنیم و جمع مجازات‌ها به دلیل نیاز دارد و چنین دلیلی منتفی است. در اینجا نیز ممکن است که گفته شود ما در جمع مجازات‌ها و یک بار اجرای آن یا تکرار مجازات‌ها به عدد دفعات ارتکاب جرم، شک و شبهه داریم.

اما بر مطلب شیخ نجفی درباره اینکه در مورد بحث تعدد اسباب نداریم، این اشکال وارد است که اینجا تعدد اسباب داریم، به دلیل اینکه فرض ما در این صورت چنین است که تکرار جرم زنا با دلیل قضایی ثابت شده است و تشابه ذکرشده بین حدث‌ها و اسباب تنجیس از یک طرف و تکرار جرم حدی زنا از طرف دیگر، صرف قیاسی بیش نیست و نیز اینکه دلیل داریم که بیش از یک حدث و سبب نجاست با یک بار طهارت و تطهیر از بین می‌رود و به طهارت و تطهیر دیگری نیاز نیست، درحالی‌که

در تکرار جرم حدی زنا، دلیلی مبنی بر جمع مجازات‌ها و کافی بودن اعمال یک حد نداریم.

در مقابل دیدگاه مشهور، تفصیل مذکور شیخ صدوق و ابن جنید بود که دلیل آنها را نیز فقها طرح کرده‌اند و به آن عمل نکردند. ولی صرف نظر از پذیرفتن یا نپذیرفتن دیدگاه مشهور، مسئله مورد بحث تعدد یا جمع مجازات‌ها در این صورت نیست. بلکه مسئله تشدید مجازات‌های جرم زنا به علت چنین تکراری است. ما چه قائل به دیدگاه مشهور باشیم و چه تفصیل مذکور را بپذیریم، دلیلی دال بر تشدید مجازات بزه زنا در این صورت نداریم و هیچ فقیهی در فقه امامیه، نه از دیدگاه مشهور و نه از شیخ صدوق و ابن جنید، قائل به تشدید مجازات زنا به علت چنین تکراری نشده است.

۳.۲. صورت سوم

صورت سوم مسئله تکرار جرم، آن است که فردی جرمی را چند بار مرتکب شده است و به علت ارتکاب این جرم، مجازات‌های دفعه‌های قبل بر او جاری شده است، ولی بار دیگر همان عمل را تکرار می‌کند.

در این صورت مجازات دفعه‌های مختلف بر او جاری می‌شود و اشکالی بر اعمال مجازات وجود ندارد، زیرا موضوع مجازات متحقق شد و معصیتی که در لسان دلیل، بر آن مجازات مترتب شده است، ثابت شد. بنابراین دلیلی برای عدم جاری کردن آن وجود ندارد و اعمال مجازات بر عمل قبلی چنانچه موجب رفع حرمت عمل دوم نمی‌شود، موجب عدم ترتب آن بر عمل ممنوع دوم نیز نمی‌شود. ولی مسئله، تکرار اجرای حد در صورت تکرار جرم زنا نیست، بلکه این است که آیا این تکرار سبب تشدید مجازات در ارتکاب‌های بعد می‌شود یا خیر؟

این صورت مهم‌ترین و اختلافی‌ترین صورت تکرار به‌عنوان علت مشدده مجازات مرتکب زنا، در فقه امامیه است. مهم‌ترین فرض مورد بحث ما نیز همین صورت است که

در زیر به بررسی دیدگاه‌های فقهای امامیه و ادله آنها درباره تأثیر آن در تشدید مجازات مرتکب بزه زنا می‌پردازیم.

الف) دیدگاه مشهور

در فقه امامیه اگر فردی سه بار مرتکب زناى غيرمحصنه شد و در هر سه بار حد بر او جاری شد، بنابر قول مشهور فقهای امامیه در بار چهارم، حد آن قتل است. سید مرتضی در الانتصار فی انفرادات الامامیه (سید مرتضی، ۱۴۱۵: ۵۱۹) و ابن زهره در غنیة النزوع الی علمی الاصول و الفروع (ابن زهره، ۱۴۱۷: ۴۲۱) بر این حکم ادعای اجماع کردند.

شیخ طوسی در النهایة فی مجرد الفقه و الفتاوی (طوسی، ۱۴۰۰: ۶۹۴) و المبسوط فی فقه الامامیه (طوسی، ۱۳۸۷، ج ۸: ۱۱)، شیخ مفید (شیخ مفید، ۱۴۱۳: ۷۷۶)، ابو صلاح حلبی (حلبی، ۱۴۰۳: ۴۰۷)، سلار دیلمی (دیلمی، ۱۴۰۴: ۲۵۱)، ابن براج (ابن براج، ۱۴۰۶، ج ۲: ۵۲۰)، ابن حمزه طوسی (ابن حمزه، ۱۴۰۸: ۴۱۱)، علامه حلی در مختلف الشیعة فی احکام الشریعة (علامه حلی، ۱۴۱۳، ج ۹: ۱۷۶) و شهید اول (شهید اول، ۱۴۱۰: ۲۵۷) به قتل در مرتبه چهارم فتوا دادند.

ب) دیدگاه دوم

دیدگاه دیگر که قتل در دفعه سوم است، منتسب به دو صدوق پدر و پسر در المقنع (ابن بابویه قمی، ۱۴۱۵: ۴۲۸) است و ابن ادریس حلی در السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی (ابن ادریس حلی، ۱۴۱۰، ج ۳: ۴۴۲) بر آن ادعای اجماع کرده است.

ج) دیدگاه سوم

البته قول سومی هم در مسئله وجود دارد. معتقد این نظر شیخ طوسی در الخلاف است که در این زمینه می‌نویسد: "وقتی فردی حر با زنی یا زانی باکره چهار بار مرتکب زنا شود، در مرتبه پنجم کشته می‌شود. و همچنین در قذف، قاذف در دفعه پنجم کشته می‌شود و بعد در بار هشتم کشته می‌شود. روایت شده است که فرد حر در مرتبه چهارم کشته

می شود، و همه فقها در این حکم اختلاف نظر دارند. در حالی که همه گفتند در صورت تکرار، حد قتل بر او جاری می شود. دلیل ما اجماع فقهای امامیه و روایات است "طوسی، ۱۴۰۷، ج ۵: ۴۰۸). ظاهر عبارت شیخ طوسی این است که معقد اجماع فقهای امامیه، اصل ثبوت قتل در موارد تکرار عمل است، برخلاف اهل سنت (ابن قدامه، ۱۴۰۵، ج ۱۰: ۱۹۰) که از اصل منکر ثبوت آن هستند.

شهید ثانی در حالی که در مسالک الافهام الی تنقیح شرایع الاسلام تنها به اظهر شمردن دیدگاه دوم و اشتهر شمردن قول اول اکتفا کرده است و نظری را برنگزید (شهید ثانی، ۱۴۱۳، ج ۱۴: ۳۷۱)، در الروضة البهیه فی شرح اللمعه الدمشقیه، دیدگاه مشهور را برگزیده است (شهید ثانی، ۱۴۱۲، ج ۲: ۳۶۳).

محقق حلی در حالی که در دو کتاب شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام (محقق حلی، ۱۴۰۸، ج ۴: ۱۴۲) و المختصر النافع فی فقه الإمامیه (محقق حلی، ۱۴۱۸، ج ۱: ۲۱۵) دیدگاه دوم، یعنی کشتن در مرتبه سوم را برگزیده است، ولی در هر دو کتاب مذکور، قتل در مرتبه چهارم را از حیث احتیاط اولی دانسته است.

اما دلیل قول دوم روایت صحیح یونس است.

حدیث صحیح یونس از ابی الحسن الماضي (علیه السلام) قال: أصحاب الكبائر کلها إذا أقيم عليهم الحد مرتین قتلوا فی الثالثة (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۸: ۱۹).

یعنی؛ مرتکبان گناهان کبیره، هرگاه بر اثر ارتکاب این گناهان دو بار بر آنها حد اقامه شده، در مرتبه سوم ارتکاب، کشته می شوند.

این روایت عام است و بیان می کند که در گناه های کبیره در صورت تکرار حرام، فرد مرتکب در مرتبه سوم کشته می شود، زنا نیز کبیره است، بنابراین در دفعه سوم، مرتکب آن کشته می شود.

دلیل دیدگاه مشهور فقهای امامیه، روایت موثق ابوبصیر از امام صادق علیه السلام و روایت محمد بن سنان از حضرت رضا علیه السلام است.

حدیث موثق ابی بصیر: قال: قال أبو عبدالله (عليه السلام): الزانی إذا زنی یجلد ثلاثاً و یقتل فی الرابعة، یعنی: جلد ثلاث مرّات (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۸: ۱۱۶).

یعنی؛ زانی اگر مرتکب زنا شود، تا سه بار تازیانه بر او جاری می‌شود و در مرتبه چهارم کشته می‌شود. یعنی: سه بار تازیانه بر او اقامه می‌شود.

این تفسیر آخر روایت، یعنی عبارت "یعنی: جلد ثلاث مرّات"، گرچه راوی آن را به روایت اضافه کرده است، ولی مخالف ظاهر حدیث نیست. بلکه عبارت امام، ظهور در همین معنا دارد.

و روایت محمد بن سنان از حضرت رضا (علیه السلام): فیما کتب الیه: و علّة القتل بعد إقامة الحدّ فی الثالثة علی الزانی و الزانیة لاستحقاقهما و قلّة مبالاتهما بالضرب حتّی کأنّه مطلق لهما ذلك، و علّة اخرى أنّ المستخفّ باللّٰه و بالحدّ کافر فوجب علیه القتل لدخوله فی الکفر (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۸: ۱۱۷).

یعنی؛ علت قتل بعد از اقامه حد در مرتبه سوم بر زانی و زانیه، مستحق بودن آنها نسبت به قتل و نیز اندکی مبالات آنها نسبت به تازیانه است، چنانچه گویی آنها نسبت به زنا آزادند و علت دیگر این است که سبک شمرنده نسبت به خدا و نسبت به حد، کافر است. پس به خاطر دخولش در کفر، قتل بر وی واجب است.

جمع بین این دو روایت و روایت صحیحی که دلیل نظر دوم بود، به این صورت است که بگوییم این دو روایت، روایت صحیح یونس را تخصیص زده‌اند. زیرا روایت یونس عام محسوب می‌شود و غیر از زنا را هم شامل است، ولی دو روایت دیگر در خصوص زنا وارد شده‌اند، پس باید عام را با خاص تخصیص زد. بنابراین نظر درست درباره تکرار در جرم زنا، نظر مشهور است.

مقید کردن زنا به غیر محصن در مسئله به دلیل عدم جریان این بحث در زناى محصن است، زیرا وقتی حد زناى محصنه بر محصن جاری شود، دیگر با کشته شدن مرتکب آن، موضوعی برای جاری کردن حد در مرتبه دوم وجود ندارد، تا چه برسد به قتل در مرتبه چهارم. چنانچه عمومیت بخشیدن این حکم به زن نیز، به دلیل عموم یا اطلاق روایات است. بنابراین مرتکب در جرم زنا، در صورت تکرار، در مرتبه چهارم ارتکاب کشته می‌شود. ولی روایت صحیح یونس عام است و غیر از زنا همه حدود دیگر را شامل است. پس غیر از زنا که با مخصصات مذکور خارج شده است، هر جرم مستوجب حد که به نحو این صورت تکرار شود، مرتکب آن در مرتبه سوم کشته می‌شود.

به علاوه اینکه، مراد از حد در این روایت، معنای اعمی آن است و شامل تعزیر نیز می‌شود؛ شاهد این مطلب آن است که موضوع حد، در روایت، مرتکبان گناهان کبیره است و بیشتر گناهان کبیره، حد ندارند بلکه تعزیر دارند، پس تعزیر را هم شامل می‌شود. و مرتکب هر جرمی از جرایم، مستوجب حد و تعزیر در حقوق جزای امامیه در صورت تکرار جرم به این نحو، در بار سوم کشته می‌شود.

ولی چون موضوع بحث ما تأثیر تکرار در تشدید مجازات جرم خاص زناست، از بررسی تأثیر تکرار در همه جرایم صرف نظر می‌کنیم. به علاوه اینکه در این مختصر مجال بررسی تأثیر تکرار در جرایم دیگر وجود ندارد. پس تکرار به صورت سوم در فقه جزای امامیه، موجب تشدید مجازات مرتکب زنا می‌شود.

بر مبنای آنچه گذشت، تکرار جرم یکی از علل مشدده مجازات در حقوق جزای امامیه در جرم حدی زناست و در صورتی که مرتکب، این جرم را چندین بار تکرار کند و در هر بار مجازات آن اعمال شود، در نوبت چهارم، مرتکب به قتل محکوم می‌شود.

البته ممکن است یک اشکال به صورت سوم وارد شود، به این گونه که قتل در صورت تکرار جرم مورد بحث در مرتبه چهارم، خود نوعی حد محسوب می‌شود و نباید آن را با علل مشدده در حقوق جزای عمومی خلط کرد.

به نظر می‌رسد چنین اشکالی درست نباشد. زیرا، درست است که مجازات قتل در دفعه چهارم در جرم زنا، حد محسوب می‌شود، ولی حد این جرم خاص اولاً و بذات غیر از قتل است و مجازات حدی مقرر آن به واسطه تکرار جرم، از مثلاً تازیانه به قتل تشدید شده است. به عبارت دیگر اینکه، چه قتل در مرتبه چهارم را حد محسوب بکنیم و چه نکنیم، تبدیل مجازات اولیه به قتل، تشدید مجازات است. زیرا در حقوق جزای عمومی نیز علل تشدید مجازات عبارت است از کیفیات و اوصافی که دادرس به محض احراز آنها به حداکثر یا بیش از حداکثر مجازات مقرر در قانون برای همان جرم حکم خواهد داد (اردبیلی، ۱۳۸۹، ج ۲: ۲۱۷). یکی از این اوصاف هم تکرار است و تکرار سبب تشدید مجازات، از حداقل مجازات به حداکثر آن می‌شود، گرچه باز هم حداکثر را مجازات حدی بنامیم. مجازات محسوب شدن حداکثر عقوبت، سبب نمی‌شود که سنگین شدن عقوبت را تشدید آن ندانیم. در مورد بحث نیز مجازات مقرر اولیه جرم به واسطه تکرار به حداکثر آن تبدیل می‌شود و این اعمال حداکثر مجازات را تشدید آن می‌نامیم.

نتیجه‌گیری

بر مبنای آنچه مطرح شد، «تکرار جرم» سه صورت دارد؛ صورت اول آن است که مجرم دست به ارتکاب دو جرم متفاوت می‌زند. در صورت دوم، مرتکب یک جرم خاص را چند بار انجام می‌دهد، ولی مجازات هیچ‌کدام از آنها بر او جاری نمی‌شود، در این دو صورت که به تعبیر حقوقدانان جزا تعدد مادی، عینی یا حقیقی هستند، در فقه جزای امامیه موجب تشدید مجازات حدی زنا نمی‌شود. بنابراین «تعدد جرم» در حقوق جزای امامیه از علل مشدده مجازات جرم زنا محسوب نمی‌شود.

اما «تکرار جرم» به صورت سوم که عبارت بود از مواردی که بزه‌کار، جرم خاصی را چند دفعه مرتکب شود و در هر بار مجازات آن جرم بر او اعمال شده باشد، که آن را در حقوق جزای عمومی نیز «تکرار جرم» می‌نامیم، موجب تشدید مجازات حدی جرم زنا در

فقه جزای امامیه می‌شود که البته در همه جرایم در صورت تکرار و اقامه دو بار حد، مرتکب در دفعه سوم کشته می‌شود؛ مگر در زنا که نظر به دلیل خاص، مرتکب در اثر تکرار، در دفعه چهارم به قتل می‌رسد.

اما در انواع دیگر زنا (همانند زنا محصنه، که مجازات آنها قتل است و تکرار آنها ممکن نیست و در نتیجه اقامه حد در آنها بیش از یک بار صورت نمی‌گیرد) تکرار موضوعیت ندارد و موجب تشدید مجازات نمی‌شود.

منابع

۱. ابی محمد، عبدالله بن احمد بن محمد بن قدامه (۱۴۰۵)، *المعنی*، ج ۱۰، بیروت: دار الكتاب العربی للنشر و التوزیع.
۲. اردبیلی، محمد علی (۱۳۸۹)، *حقوق جزای عمومی*، ج ۲، تهران: نشر میزان، بیست و یکم.
۳. افراسیابی، محمد اسماعیل (۱۳۷۷)، *حقوق جزای عمومی*، ج ۲، تهران: انتشارات فردوسی، اول.
۴. اسکافی، ابن جنید، محمد بن احمد کاتب بغدادی (۱۴۱۶ق)، *مجموعه فتاوی ابن جنید*، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، اول.
۵. بغدادی، مفید، محمد بن محمد بن نعمان عکبری (۱۴۱۳ هـ ق)، *المقنعه (للشیخ المفید)*، قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید - رحمه الله علیه، اول.
۶. بیهقی، احمد بن حسین (۱۴۱۴)، *السنن الکبری*، ج ۸، بی جا: دار الفکر.
۷. حائری، سید علی بن محمد طباطبایی (۱۴۱۸ هـ ق)، *ریاض المسائل (ط - الحدیثه)*، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام، اول.
۸. حلبی ابو الصلاح، تقی الدین بن نجم الدین (۱۴۰۳ هـ ق)، *الکافی فی الفقه*، اصفهان: کتابخانه عمومی امام امیر المؤمنین علیه السلام، اول.
۹. حلبی ابن زهره، حمزه بن علی حسینی (۱۴۱۷ هـ ق)، *غنیة النزوع إلى علمی الأصول و الفروع*، قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام، اول.
۱۰. حلّی ابن ادریس، محمد بن منصور بن احمد (۱۴۱۰ هـ ق)، *السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی*، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دوم.
۱۱. حلّی محقق، نجم الدین جعفر بن حسن (۱۴۰۸ هـ ق)، *شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام*، قم: مؤسسه اسماعیلیان، دوم.

۱۲. حلّی، محقق، نجم الدین، جعفر بن حسن (۱۴۱۸ هـ ق)، *المختصر النافع فی فقه الإمامیة*، قم: مؤسسه المطبوعات الدینیة، ششم.
۱۳. حلّی، حسن بن یوسف (حلّی علامه) (۱۴۱۳ هـ ق)، *مختلف الشیعة فی أحكام الشریعة*، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دوم.
۱۴. حلّی، حسن بن یوسف (حلّی علامه) (۱۴۱۳ هـ ق)، *قواعد الأحكام فی معرفة الحلال و الحرام*، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، اول.
۱۵. دیلمی، سلار، حمزه بن عبد العزیز (۱۴۰۴ هـ ق)، *المراسم العلویة و الأحكام النبویة*، قم: منشورات الحرمین، اول.
۱۶. شامبیاتی، هوشنگ (۱۳۷۱)، *حقوق جزای عمومی*، ج ۲، تهران: پاژنگ، اول.
۱۷. شریف مرتضی، علی بن حسین موسوی (۱۴۱۵ هـ ق)، *الانتصار فی انفرادات الإمامیة*، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، اول.
۱۸. طرابلسی، ابن براج، قاضی، عبد العزیز (۱۴۰۶ هـ ق)، *المهذب (لابن البراج)*، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، اول.
۱۹. طوسی، محمد بن علی بن حمزه (۱۴۰۸ هـ ق)، *الوسيلة إلى نیل الفضیلة*، قم: کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی - ره، اول.
۲۰. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۷ هـ ق)، *تهذیب الأحكام*، تهران: دار الکتب الإسلامیة، چهارم.
۲۱. طوسی، محمد بن حسن (۱۳۸۷ هـ ق)، *المبسوط فی فقه الإمامیة*، تهران: المکتبة المرتضویة لإحياء الآثار الجعفریة، سوم.
۲۲. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۰ هـ ق)، *النهاية فی مجرد الفقه و الفتاوی*، بیروت: دار الکتب العربی، دوم.
۲۳. عاملی، زین الدین بن علی (شهید ثانی) (۱۴۱۳ هـ ق)، *مسالك الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام*، قم: مؤسسه المعارف الإسلامیة، اول.

۲۴. عاملی، زین‌الدین بن علی (شهید ثانی) (۱۴۱۲ هـ.ق)، الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة (المحشی - سلطان العلماء)، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، اول.
۲۵. عاملی حرّ، محمد بن حسن (۱۴۰۹ هـ.ق)، وسائل الشیعة، قم: مؤسسه آل‌البت علیهم السلام، اول.
۲۶. عاملی، محمد بن مکی (شهید اول) (۱۴۱۰ هـ.ق)، اللمعة الدمشقیة فی فقه الإمامیة، بیروت: دار التراث - الدار الإسلامیة، اول.
۲۷. قمی، صدوق، محمد بن علی بن بابویه (۱۴۱۳ هـ.ق)، من لا یحضره الفقیه، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دوم.
۲۸. قمی، صدوق، محمد بن علی بن بابویه (۱۴۱۵ هـ.ق)، المقنع (للشیخ الصدوق)، قم: مؤسسه امام هادی علیه السلام، اول.
۲۹. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۲۹ هـ.ق)، الکافی (ط - دار الحدیث)، قم: دار الحدیث للطباعة و النشر، اول.
۳۰. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ هـ.ق)، الکافی (ط - الإسلامیة)، تهران: دار الکتب الإسلامیة، چهارم.
۳۱. لنکرانی، محمد فاضل موحدی (۱۴۲۲ هـ.ق)، تفصیل الشریعة فی شرح تحریر الوسیلة - الحدود، قم: مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام، اول.
۳۲. نجفی، محمد حسن (۱۴۰۴ هـ.ق)، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، بیروت: دار إحياء التراث العربی، هفتم.
۳۳. نوربها، رضا (۱۳۷۵)، زمینه حقوق جزای عمومی، تهران: کانون وکلای دادگستری، دوم.
۳۴. ولیدی، محمد صالح (۱۳۸۸)، حقوق جزای عمومی، ج ۲، تهران: نشر داد، دوم.